به مناسبت سالروز حمله مغول به خراسان

روز مرگ آبادی

سینا صابری

از تلخ‌ترین اتفاقات تاریخی که تقریبا همه ایرانیان از کلیت آن مطلع هستند، وقایع پیش‌آمده در جریان حملات مغولان است.

در این حملات (سال‌های ۶۱۶ تا ۶۵۴ هجری‌قمری) که درپی قتل ۴۵۰بازرگان مغولی در شهر اترار آغاز شد، ایرانیان زیادی کشته شدند، بسیاری از افراد آواره شدند، آیین‌های شمنی و غیراسلامی همچون صوفیه‌گرایی در ایران فزونی یافت و صدمات فراوانی به زیرساخت‌های استراتژیک ایران وارد شد و درنتیجه آن، حکومت خوارزمشاهیان، اسماعیلیه الموت و اتابکان که بر ایران تسلط داشتند، همگی از میان رفتند و مغولان بر ایران چیره شدند.

آغاز حملات مغولان به ایران از حدود نواحی خراسان آغاز شد و باید بدانیم که این یورش در تمام نقاط با کشتار بدوی و دسته‌جمعی همراه نبود، بلکه بسته به واکنش مردمان هر شهر و حکام محلی آن، سرنوشت جداگانه‌ای برای آن‌ها رقم می‌خورد. مثلا بخش ماوراءالنهر که در سال ۶۱۷قمری به حکومت مغولان ضمیمه شد، فقط شاهد کشته‌شدن ترکان خوارزمشاهی بود و سایر مردم و مشاغل آسیبی ندیدند اما منطقه تحت تسلط جلال‌الدین خوارزمشاه با توجه‌به مقاومت‌های او، آسیب بسیاری دید؛ چراکه نبردها به درازا کشید و چنگیز می‌بایست اطمینان پیدا می‌کرد که دیگر خطری، نواحی تازه به‌دست‌آورده‌اش را تهدید نمی‌کند و ازاین‌رو تمدن خراسان آن روزگار، آسیب فراوانی دید.

در سال ۶۱۸ هجری، چنگیزخان از ترمذ و جیحون گذشت و به سمت بلخ حرکت کرد و در بلخ اگرچه بزرگان شهر اظهار ارادت کرده بودند، به‌علت شورش برخی از طرفداران سلطان جلال‌الدین، بسیاری از مردم بلخ -که بین ۵۰ تا ۲۰۰هزار نفر ذکر شده‌اند- به دست مغولان کشته شدند.

پس از بلخ در شهر طالقان، وضعیت به شکل دیگری رقم خورد و به سبب استحکاماتی که در آنجا وجود داشت، مردم توانستند به مدت ۷ماه مقاومت کنند اما درنهایت این سد هم شکسته شد و به سبب این مقاومت، مغولان بیشتر جانداران شهر را قتل عام کردند و به سمت بامیان به راه افتادند.

در بامیان، جنگی میان مردم و سپاهیان چنگیز رخ داد و در آن میان، تیری به یکی از لشکریان موردعلاقه چنگیز برخورد کرد و او کشته شد. همین موضوع سبب خشم چنگیز شد و دستور داد هیچ جنبنده‌ای را در آن شهر زنده نگذارند و شهر را نیز «ماوبالیغ» یعنی «آبادی بد» نام‌گذاری کنند.

در ادامه نوبت به شهر مرو رسید که مغولان در مدت غریب به ۴۰روز جنگ، بسیاری از مردمان آنجا را نیز به قتل رساندند و در همین میان و در مدت کوتاهی، شهرهای نسا، بیهق، خواف، ابیورد و سرخس از میان رفتند.

اما یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهرهای خراسان یعنی نیشابور در ابتدای ورود مغولان، از در صلح وارد شد و تا مدت‌ها آسیبی به این شهر وارد نشد، لکن به سبب شورشی که ازطرف خوارزمشاهیان ترتیب داده شده بود و اذیت و آزاری که حاکم گماشته مغولان دید، «طغاچار»، داماد چنگیز، با سپاهش به‌سمت نیشابور حرکت کرد و مغولان شهر را محاصره کردند.

اتفاق ناگواری در اینجا رخ داد و آن هم کشته‌شدن طغاچار بود که سبب شد سپاهیان مغول علاوه‌بر اینکه مردمان نیشابور را به هلاکت برسانند، مردم توس و سبزوار را نیز قتل عام کنند. بنابراین در نیشابور علاوه‌بر اینکه از مردمان شهر هیچ کسی زنده نماند، از سپاهیان جلال‌الدین خوارزمشاه نیز حدود ۱۲هزار نفر کشته شدند.

در پی این حوادث، فرهنگ و تمدن خراسان آسیب بسیاری دید که جبران آن هیچ‌گاه میسور نشد، چراکه هرگاه آسیب‌های عظیم تاریخی و اجتماعی در یک ناحیه به وقوع رسد، آنچه محقق می‌شود خرابی و فساد است بدون سازندگی، که به‌جز هزینه‌های مالی و جانی، نتیجه دیگری را به همراه ندارد. البته که پس از هر تغییر و تحول بزرگ اجتماعی نظیر روی کار آمدن مغولان، شاهد به وجودآمدن سیستم‌های جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز هستیم که در برخی موارد نیز جنبه‌های مثبتی می‌تواند به همراه داشته باشد اما نباید از خاطر برد که آن قسمت ازمیان‌رفته دارای ذخایری بوده است که هیچ‌گاه قابل دست‌یابی و تجدید نخواهد بود و فقدان این بخش از تاریخ برای آیندگان، حلقه‌های مفقوده علمی و تاریخی فراوانی به وجود خواهد آورد که سبب پیچیده‌تر شدن مطالعات درباره گذشتگان خواهد شد.

منابع: تاریخ جهانگشای جوینی/مناقب‌العارفین، ص ۲۱۱/مقاله «تحولات جمعیتی خراسان از آغاز حملات مغول تا تأسیس حکومت ایلخانی»/جامع‌التواریخ همدانی/مقاله «حمله مغول به ایران»/تاریخ حبیب‌السیر

پذیرش آگهی و اشتراک
۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ داخلی ۵۲۷

شهرآرا
روزنامه شهروندی امید و زندگی
۵شنبه
۳ مهر ۱۳۹۹
۶ صفر ۱۴۴۲
شماره ۳۲۱۰
SHAHRARANEWS.IR

روزگار اطفائیه و اطفائیه‌چی

مروری بر تاریخچه شکل‌گیری آتش‌نشانی در ایران و مشهد

گزارش روز

طوبی اردلان



نخستین ایستگاه مشهد - دهه ۴۰

حادثه دردناک و فراموش‌ناشدنی پلاسکو شاید بزرگ‌ترین مانور خبری تا آن روز را برای آتش‌نشان‌ها در پی داشت؛ آتش‌نشان‌هایی که زیر تلی از آوار می‌سوختند تا دوربین‌های خبری از قهرمان‌بودنشان بگویند، قهرمانانی که شاید تا به آن روز، به این اندازه دیده نشده بودند و سختی کار و ازخودگذشتگی‌شان برای نجات جان مردم، این‌چنین ملموس درک نشده بود. حادثه، خطر و جانبازی، آشناترین کلمات برای شغلی است که گرچه قدمت پاگیری آن به بیش از ۱۵۰سال نمی‌رسد، می‌توان از جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌های قهرمانانش بی‌شمار نوشت و همچنان ادامه داد. قرارگرفتن در آستانه روز آتش‌نشانی، بهانه‌ای شد تا در سطرهای پیش‌رو، نقبی بزنیم به تاریخچه شکل‌گیری این موسسه و روزگارِ ازسرگذشته‌اش در ایران و مشهد.

بزرگ‌ترین حادثه آتش‌سوزی خراسان

قطعا انفجار بمب در حرم مطهر رضوی و انفجار قطار نیشابور که با فاصله تقریبی ۱۰سال از هم در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۲ رخ داد، بزرگ‌ترین حادثه‌های منجر به آتش‌سوزی در تاریخ خراسان و ایران بوده‌اند، طوری‌که طبق آمار در حادثه دوم، ۲۴آتش‌نشان چنان سوختند که از تعدادی از آنان حتی کوچک‌ترین اثری برای تشییع باقی نماند. اما این تنها حوادث بزرگ آتش‌سوزی در خراسان و مشهد نبودند و جراید کاغذی، رویدادهای بسیاری از این دست را در خطوط کاهی خود از گذشته تا به امروز ثبت کرده‌اند.

ارتش آتش‌نشانی نیست!

شاید برایتان جالب باشد که بدانید در دوره قاجار، به سازمان آتش‌نشانی «اطفائیه» و به نیروهایی که در زیرمجموعه اطفائیه قرار می‌گرفتند و وظیفه‌شان مهار آتش بود، «اطفائیه‌چی» می‌گفتند. تا پیش از ایجاد سازمان اطفائیه در ایران، گزمه‌ها و سپاهیان و بعدها پلیس و ارتش، جدای از حفظ امنیت، وظیفه اطفای حریق در شهر را هم برعهده داشته‌اند که این روند تا حوالی دهه ۴۰ نیز متداول بوده است. رامین‌رامین‌نژاد در کتاب تاریخ لشکر خراسان می‌نویسد: «پیش از ایجاد و تاسیس سازمان‌های مختلف در ایران، معمولا در همه بلایای طبیعی، حوادث غیرمترقبه و خدمت‌رسانی- از خاموش‌کردن آتش و امدادرسانی در زلزله تا واکسیناسیون و حتی سم‌پاشی زراعات و نباتات مردم- ارتش پیش‌قدم بوده است. به عنوان مثال در اخبار جراید دهه ۳۰ آمده که مسافران یک اتوبوس در شریف‌آباد در برف مانده‌اند و همان‌جا استاندار به‌جای تماس با بهداری یا راه و ترابری با فرمانده ارتش تماس گرفته و درخواست ماشین برف‌کوبی کرده است. این امر البته به این دلیل بوده که ارتش در آن زمان، بهترین و کامل‌ترین امکانات را دراختیار داشته است. در اسناد ارتش نیز سندهای بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد وقتی مکانی در شهر آتش می‌گرفته یا منزلی مسکونی دچار حریق می‌شده، مسئولان ابتدا به مهندسان لشکر خراسان اطلاع می‌داده‌اند. این مسئله تا سال ۱۳۴۰ هم ادامه داشته تا اینکه برخوردهایی پیش می‌آید که ارتش آتش‌نشانی نیست و هر سازمانی باید وظایف جدا و مشخصی داشته باشد.» ناگفته نماند که هنگام آغاز به کار آتش‌نشانی ازآنجاکه آموزش و حتی شرایط خاصی برای استخدام اطفائیه‌چی نبوده، در بسیاری موارد از تکاوران ارتش برای آموزش‌دادن به نیروها استفاده می‌شده است.

۱۵۰سال آتش‌نشانی

طبق اسناد تاریخی، آتش‌نشانی نخستین بار در حدود ۱۵۰سال پیش یعنی در سنه ۱۲۲۱خورشیدی، توسط نیروهای اشغالگر روسیه در شهر تبریز که آن روزها پایتخت ایران بوده، ایجاد می‌شود. این کار اگرچه در آن دوران برای حفظ منافع اقتصادی روس در ایران شکل می‌گیرد، بعدها فراگیر می‌شود و به دیگر شهرهای ایران هم راه پیدا می‌کند. دومین واحد آتش‌نشانی سال‌ها بعد، باتوجه‌به نیاز پالایشگاه نفت مسجد سلیمان در جنوب کشور تاسیس می‌شود. پس از به‌قدرت‌رسیدن پهلوی اول و ایجاد زیرساخت‌هایی مانند راه‌آهن و توسعه خطوط ارتباطی زمینی، سیستم برق‌رسانی و دیگر امکانات، سازمان‌های آتش‌نشانی هم به‌عنوان یکی از ملزومات خدمت‌رسانی توسعه و گسترش پیدا کرد و پس از این بود که مراکز آتش‌نشانی (اطفائیه) زیرنظر بلدیه در شهرهای مختلف آغاز به کار کردند. اسناد می‌گویند که نخستین واحد آتش‌نشانی در سال ۱۳۰۳شمسی در تهران توسط یک ژنرال روسی با ۱۶ پرسنل از درجه‌داران نظامی و ۴دستگاه اتومبیل در گاراژی به نام «حسنی» ایجاد شد اما چند سال بعد یعنی در سال ۱۳۰۷ خورشیدی با پیگیری تیمسار کریم‌آقا بوذرجمهری که گویا در آن زمان سرپرست بلدیه تهران بوده است، قبرستانی قدیمی در میدان حسن‌آباد پایتخت به ایستگاه شماره یک آتش‌نشانی تبدیل و با ماشین‌های آب‌پاش مجهز می‌شود. پس از تهران، اهواز، قزوین، زنجان، اصفهان، بندرانزلی، رشت و سپس مشهد (در سال ۱۳۱۲) صاحب آتش‌نشانی می‌شوند.

نخستین ایستگاه آتش‌نشانی در گاراژ خرازی

البته تلاش برای تاسیس اطفائیه در مشهد یک سال پیش از این تاریخ صورت گرفته بود؛ برطبق اسناد برجای‌مانده، در سال ۱۳۱۱ خورشیدی، بلدیه درخواست خود را برای خرید ماشین آب‌پاش مکتوب می‌کند اما این مهم به‌دلیل تغییر ساختمان بلدیه از ارگ به میدان پهلوی(شهدای فعلی) با تاخیر روبه‌رو می‌شود. پس از این جابه‌جایی، نخستین شعبه آتش‌نشانی در مشهد در گاراژی نزدیک بلدیه که با نام «گاراژ خرازی» شناخته می‌شده، پا می‌گیرد. اسناد نشان می‌دهد که اطفائیه کارش را با یک تانکر آب شروع می‌کند اما در ادامه با اختصاص چند مأمور، تعدادی گاری اسبی و سطل آب ازسوی بلدیه، نخستین گام‌ها برای تأسیس اطفائیه برداشته می‌شود. اطفائیه‌چی‌ها در این دوره علاوه‌بر خاموش‌کردن آتش هنگام حریق، وظیفه داشتند معابر و خیابان‌ها را با ماشین آب‌پاشی که دراختیار داشتند، بشویند و درختان را هم آبیاری کنند. روزنامه آفتاب شرق در آذر سال ۱۳۱۵ می‌نویسد: «ساختمان آتش‌نشانی: اداره شهرداری شروع به ساختن محلی برای اتومبیل‌های آتش‌نشانی و ماموریـن آتش‌نشانی کرده است. محل مزبور در ابتدا امتداد شمالی خیابان پهلوی و از اراضی گورستان آب‌میرزا انتخاب گردیده و با سرعت پیشرفت می‌نماید.»

آتش‌نشانی در گورستان حوض لقمان

این روزنامه یک سال بعد، درباره وضعیت آتش‌نشانی در ستونی با عنوان «خلاصه‌کاری‌های ساختمانی و اصلاحات شهر مشهد» در سال ۱۳۱۷ می‌نویسد: «برای تمرکز دایره آتش‌نشانی، محل رفت و روب و بخش تیمارگاه، آن بخش گورستان متروکِ معروف به حوض لقمان تخصیص یافته و اعتبار موردنظر با رعایت صرفه‌جویی کامل و زیبایی منظره در محل مذکور به شرح ذیل و در دست استفاده قرار گرفت.» این روزنامه در ادامه مساحت کل اراضی آتش‌نشانی را ۵هزارو ۴۷۸مترمربع اعلام می‌کند و توضیح می‌دهد که: «قسمتی از این محوطه آتش‌نشانی، بخش رفت و روب را تشکیل می‌دهد که به‌وسیله نرده آهنی از خیابان مجزا می‌شود و بقیه در زیر بنا قرار گرفته است. بنای آتش‌نشانی در طبقه اول به‌عنوان گاراژ با رعایت اصول فنی برای توقف اتومبیل‌هاست و طبقه دوم، ۳اتاق بزرگ به‌منظور آسایشگاه نفرات و درمقابل آن ۲دستگاه ساختمان مجزای کوچک جهت نگهبانی آتش‌نشانی و محل ناظم آتش‌نشانی ساخته‌شده است.» این روزنامه همچنین از بنایی با عنوان «تیمارگاه» در مجموعه آتش‌نشانی نام می‌برد که در حاشیه خیابان پهلوی قرار داشته و گویا برای پانسمان زخمی‌ها و حضور پزشکان بوده است. همچنین در این دوره تجهیزات و امکانات آتش‌نشانی در ۲اتومبیل پنج‌تنی و یک اتومبیل یک‌تنی خلاصه می‌شده است. مدتی بعد این مجموعه با ساخته‌شدن چند ساختمان مسکونی گسترش پیدا می‌کند. این ساختمان‌ها هم به‌منظور اسکان آتش‌نشانان و خانواده‌هایشان پا می‌گیرد تا آتش‌نشانان در وقت حادثه بتوانند خود را سریع‌تر به ماشین‌ها برسانند و عازم محل حادثه شوند.

به روز شدن امکانات و ساختار آتش‌نشانی

مرداد ۱۳۳۶ روزنامه خراسان، خبری را که محتوای آن انتخاب ریاست جدید سازمان آتش‌نشانی در مشهد است، این‌طور منتشر می‌کند: «سرپرست اداره موتوری آتش‌نشانی: آقای سیداحمد شجاعی دبیر هنرستان صنعتی مشهد بنا به دعوت شهرداری، سرپرستیِ اداره موتوری و آتش‌نشانی شهرداری مشهد را قبول و شروع به کار کرده‌اند. آقای شجاعی از فرهنگیان و هنرمندان خوش‌نام و مجرب می‌باشند و امید است با انتصاب ایشان به سمت سرپرست آتش‌نشانی نواقص فنی آن را رفع و با اطلاعاتی که ایشان دارند، سازمان مجهزی به وجود آورند.» طبق شواهد و روایات پس از نشستن سیداحمد شجاعی روی صندلیِ سرپرستی مجموعه آتش‌نشانی مشهد، این سازمان روزهایی توأم با توسعه و بهبود امکانات را تجربه می‌کند. او ۲سال پس از انتصابش در یک حادثه اطفای حریق آسیب می‌بیند، آن‌چنان‌که ناچار می‌شود برای مداوا راهی دیار فرنگ شود. شجاعی در آلمان با شیوه‌های نوین اطفای حریق و امکانات به‌روز این شغل آشنا می‌شود و پس از بازگشت از سفر تلاش می‌کند سیستم کار در آتش‌نشانی مشهد را تغییر دهد و آن را به ساختارهای روزِ دنیا نزدیک کند.

منبع: آرشیو روزنامه‌های خراسان و آفتاب شرق در سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۴۰، تاریخچه آتشنشانی در ایران تالیف فرشید قاسملو، پژوهش غلامرضا آذری خاکستر و...

۶۶ سرانه استاندارد تعداد ایستگاه‌های آتش‌نشانی برای مشهد

۵۱ تعداد ایستگاه‌های عملیاتی آتش‌نشانی درمشهد

۱۰۴۲ تعداد نیروی عملیاتی آتش‌نشانی مشهد

۳۲۰۰ تعداد آتش‌نشانی که مشهد باجمعیت فعلی باید داشته باشد

براساس آمار مراکز آتش‌نشانی کشور، تعداد ۸۶شهر بین سال‌های ۱۳۴۱ـ۱۳۵۰ هجری شمسی اقدام به ایجاد مراکز آتش‌نشانی می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی هم توجه خاصی به گسترش مراکز آتش‌نشانی و افزایش خودروها و تجهیزات شده که افزایش ایستگاه‌ها، نیروها و به‌روز شدن امکانات ازجمله آن‌هاست.

یک قصه یک آیین

افسانه درخت بی‌بی

حوادث تاریخی همیشه محل شکل‌گیری افسانه‌ها، داستان‌ها و روایت‌هایی است که ریشه نقل همه آنان، امیددادن به مردم در هنگامه بلایاست و به همین سبب است که در مکان‌های گوناگون می‌توان داستان‌های مشابه فراوانی یافت. یکی از این افسانه‌ها که به احتمال زیاد هنگام حمله ازبکان به نواحی خراسان شکل گرفته، افسانه درخت بی‌بی‌است؛ در دره‌های کال قره‌داغ کلات نادر درخت چناری چندصدساله وجود دارد که در میان محلی‌ها به «درخت بی‌بی» معروف است و بومیان آن را مقدس می‌دانند و از آن حاجت می‌گیرند. این را می‌توان از روی قفل‌ها و نوارهای سبز رنگی که سال‌هاست از شاخ و برگ این درخت آویزان است، به خوبی فهمید. اما داستان این درخت چنار چیست؟ پای صحبت محلی‌ها که بنشینید، برایتان این‌طور تعریف می‌کنند: «در زمان‌های قدیم، و به هنگام حمله بیگانگان به خراسان، جمعی از دختران و زنان برای اینکه به اسارت دشمن درنیایند، به سمت کوه‌های مرزی فرار می‌کنند. در جمع این گروه زنی سیده بوده است که بین راه و هنگام فرار به زمین می‌خورد و فوت می‌کند. از جای خون او که روی زمین ریخته درختی جان می‌گیرد که هرگز خشک نمی‌شود. مردم از آن زمان به این درخت، درخت بی‌بی می‌گویند که حاجت‌دهنده است.» سالیان بسیاری است که زنان و مردان برای حاجاتی که دارند نذر می‌کنند و بندی سبزرنگ یا قفلی به درخت می‌آویزند. ناگفته نماند که در نزدیکی این درخت، کوهی با سنگ‌های بزرگ دایره‌مانند وجود دارد. روایت است که جمعی از این دختران فراری وقتی می‌بینند که نمی‌توانند از دست دشمنان بگریزند به بالای این کوه می‌آیند و از خدا می‌خواهند که آنان را پناه دهد و همین می‌شود که به اراده خداوند، سنگ‌های این کوه شکاف می‌خورند و دختران به درون سنگ‌ها می‌روند. قدیمی‌ها معتقدند چوپانان بسیاری شب‌ها از دل این کوه صدای آواز و لالایی شنیده‌اند.



مشاهیر

حافظی در ابرده

او که از تربیت‌یافتگان «اخی علی قتلقشاه» و پس از او مهم‌ترین شیخ کبروی خطه طوس در سده هشتم و اوایل نهم بوده، در کودکی بنا به ارشاد یکی از پیروان شیخ عبدا...غرجستانی به نام «مولانارضی‌الدین علی مایانی»، به خدمت اخی‌علی قتلقشاه در ویرانی رفته است. او خلیفه و جانشین اخی‌علی بوده اما در ابرده که همسایه غربی ویرانی است، می‌زیسته است. ابرده یکی از روستاهای ییلاقی و قدیمی پیرامون شهر مشهد، در حد فاصل شهرک ییلاقی شاندیز و روستای زشک، در چهارفرسنگی غرب مشهد است. در گورستان قدیمی این روستا که روی تپه‌ای در حاشیه چپ جاده شاندیز-ابرده واقع است، مقبره «حافظ بهاءالدین عمر ابردهی» قرار دارد. حافظ عمر ابردهی که از عرفای مشهور دوره تیموری محسوب می‌شود، بنابر متن سنگ قبر وی که جلو در مقبره‌اش افتاده، در ماه صفر ۸۰۹ هجری قمری درگذشته است. مقبره قدیمی این عارف طوسی که تا سال ۱۳۷۸ خورشیدی در گورستان میان شاندیز و ابرده بر جا بود، گرچه شکوهی نداشت، مورد توجه رهگذران و بومیان این اقلیم بود. همین موضوع هم سبب شد این ارادتمندان در سال ۱۳۷۸ بنای فرسوده اما اصیل مقبره وی را تخریب کنند و مقبره جدیدی برایش بسازند. پس از این بر سنگ قبر تازه‌ای که در آن زمان نصب شد، این جملات نقش بسته است: «مرقد مطهر قطب‌الدین و الاولیاء و العارفین الهادی الی محبت چهارده معصوم(ص) شیخ حافظ علی‌شاه ابردهی مرید شیخ المشایخ اخی علی‌شاه. اولیا نمرده‌اند از چشم ما غایب‌اند. وفات۸۰۹ه.ق.»

آگهی مناقصات

ردیف	شماره	موضوع مناقصه	برگزار کننده	مبلغ ضمانتنامه(ریال)	آخرین مهلت تحویل پیشنهادات
۱	۵۸۷	خرید، حمل، نصب و راه اندازی تجهیزات توسعه و تکمیل سیستم نظارت تصویری خطوط قطار شهری مشهد	شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۹۹/۰۸/۰۷
۲	۵۹۶	سیستم ترمز ناوگان خط (Accumulator) خرید وحمل منبع انبساط روغن ۱ شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۹۹/۰۸/۲۸
۳	۵۹۷	خط دو قطارشهری مشهد VRF خرید و حمل قطعات یدکی سیستم	شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۹۹/۰۸/۰۷
۴	۵۹۸	خرید و حمل باتری های نیکل کادمیوم سیستم سیگنالینگ خط یک قطارشهری مشهد	شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	۱،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۹۹/۰۷/۱۵
۵	۵۹۹	خرید وحمل فیلتر خشک کن هوای کمپرسور ناوگان خط یک شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۹۹/۰۷/۱۵

برای اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه دریافت و تحویل اسناد به آدرس www.ets.mashhad.ir مراجعه نمایید.
ثبت نام کلیه مناقصه گران در سامانه vendor.mashhad.ir الزامی می باشد.